

معرفی و بررسی

شرح گلشن راز احمد بن موسی رشتی استادی

* حسین آقاحسینی

** زهرا امینی شلمزاری

چکیده:

گلشن راز، اثر محمود شبستری، یکی از مهم‌ترین و موجزترین منظومه‌های عرفانی است. این مثنوی که نزدیک به هزار بیت در بحر هزج مسدس محذوف سروده شده، به سبب اهمیت بسیار و اختصار آن در ادبیات عرفانی، توجه شارحان را به خود جلب کرده و شروح بسیاری بر آن نوشته شده است؛ یکی از آنها شرح گلشن راز احمد بن موسی رشتی استادی، و از دانشوران قرن نهم و شاگرد شمس‌الدین مغربی بود. در این اثر که از نمونه‌های نثر ساده دوره تیموری است، تقریباً همه ابیات گلشن راز، به استثنای چند بیت، شرح شده است. پژوهش حاضر به بررسی و معرفی این شرح می‌پردازد و ویژگی‌های محتوایی و سبکی و نسخه‌های موجود آن را معرفی می‌کند. همچنین در این پژوهش، برخی از بیت‌های این شرح با شرح‌های لاهیجی و الهی اردبیلی مقایسه شده تا کاستی‌ها و مزیت‌های آن مشخص شود.

کلیدواژه‌ها: گلشن راز، شیخ محمود شبستری، احمد بن موسی رشتی استادی، محمد لاهیجی، الهی اردبیلی

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۵

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان / h.aghahosaini@gmail.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) / za.heorotat@yahoo.com

۱- مقدمه

مثنوی گلشن راز یکی از مهم‌ترین آثار شیخ محمود شبستری است. شاعر عارف این منظومه را در جواب چند سؤال منظوم امیر حسینی هروی سرود و بعدها نیز، با پیشنهاد مرشد و مربی خود، آن پاسخ‌ها را تفصیل بیشتری داد و نام گلشن راز بر آن نهاد. این منظومه، به گفته خود شیخ، نخستین اثر منظوم او است، که با وجود اختصار، متضمن رمزها و نکات عرفانی است (رک: زرین کوب، ۱۳۵۷: ۳۱۴) و به سبب شهرت و عمق معانی و رموز عرفانی توجه شارحان فاضل را به خود جلب کرده، و به نگارش حدود چهل شرح بر این منظومه پُر رمز و راز عرفانی انجامیده است. مهم‌ترین این شروح عبارتند از:

- غنچه باز از شیخ عین‌الدین از علما و شاعران قرن نهم هجری. عین‌الدین گلشن راز را به صورت مستزاد در آورده و آن را غنچه باز نامیده است.

- شرح صابین‌الدین علی بن محمد تُرکه اصفهانی (متوفی ۸۳۰ یا ۸۳۵ق)، از علمای شیعه مذهب دوره تیموریان است. «نسخه خطی این شرح در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ضمیمه مجموعه شماره ۳۳۱۸ موجود است. شرح صابین‌الدین موجز و از اولین شروح گلشن راز است (دزفولیان، ۱۳۷۵: ۳۲).

- شرح شیخ احمد بن موسی رشتی استادی (متوفی ۸۴۴ق) که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه های ملک و مجلس محفوظ است. این شارح با مبانی تصوف اسلامی و عرفان نظری آشنا بوده و شعر نیز می‌سروده است.

- نسایم گلشن از شاه‌داعی نظام‌الدین محمود حسین شیرازی (متوفی ۸۷۰ق)، با وجود ایجاز شرحی جامع و کامل است. نسخه خطی این اثر در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نسخه چاپ سنگی آن در پاکستان موجود است.

- حدیقه المعارف از شیخ شجاع‌الدین کربالی که نگارش آن به سال ۸۶۷ ق به پایان رسیده است. کربالی این شرح را در ۸۵۶ق به نام سلطان ابوالمظفر جهان‌شاه در تبریز آغاز کرده است. نسخه‌هایی از این شرح در اسلامبول و تهران وجود دارد.

- مفاتیح الاعجاز شرحی است از شیخ شمس الدین محمد بن یحیی لاهیجی، از اقطاب فرقه نوربخشیه، که شعر هم می سروده و اسیری تخلص می کرده است. شرح لاهیجی را بهترین و جامع ترین شرح گلشن راز شمرده اند. این شرح بارها به چاپ رسیده است.

- کمال الدین حسین الهی اردبیلی، فرزند شرف الدین عبدالحق اردبیلی، را نیز شرحی است بر گلشن راز که با اقتباسات بسیار از شرح لاهیجی فراهم آمده است. الهی اردبیلی از علمای برجسته عهد صفوی، و صاحب آثار فراوانی است.

- شرح گلشن راز از محمد ابراهیم بن محمد علی سبزواری از شاگردان حاجی ملا هادی سبزواری. این شرح نسبتاً مبسوط چند بار به چاپ رسیده، از جمله در ۱۳۳۰ق (رک: شاه داعی شیرازی، ۱۳۷۷: ۵۱-۴۳).

شرح گلشن راز احمد بن موسی رشتی استادی از جمله شروحنی است که با نثر ساده در قرن نهم نگارش یافته است. این شرح چون از قدیمی ترین شروح گلشن راز محسوب می شود از اهمیت ویژه ای برخوردار است. شرح ایات گلشن راز با زبان ساده و روشن ویژگی برجسته این اثر است. تا کنون پژوهشی در معرفی و بررسی این اثر صورت نگرفته است. پژوهش حاضر به شیوه کتابخانه ای و بر پایه اصل اثر و شواهد مستخرج از آن و همچنین دیگر شروح گلشن راز صورت گرفته است.

۲- احوال مؤلف

از شارح این اثر اطلاع چندانی به دست نیامد، جز این که وی از شاگردان شمس مغربی بوده و شرحی نیز بر کتاب جام جهان نما نوشته است. او در مقدمه شرح جام جهان نما می گوید: «در تاریخ سنه ۱۰۰۰ و ثمانمائه بر سبیل سیاحت گذری به آذربایجان به شهر مبارک تبریز ... افتادیم و به مدرسه شیخه ساکن شدیم. چندی از طلبه آشنا و بیگانه نزد این فقیر حقیر اعنی احمد بن موسی الرشتی الاستادی تردد

می‌کردند و به خواندن این کتاب مشغول بودند... رساله را مصنف علیه‌الرحمه سه اسم نهاده است: اول کلیات علم توحید، دوم مراتب وجود، سیم جام جهان‌نمای و مصنف این کتاب، مولانا محمدشیرین است علیه‌الرحمه، و این کتاب را از شرح قصیده فارصیه انتخاب کرده است... و این فقیر دو نوبت نزد مصنف علیه‌الرحمه به قرائت خوانده‌ام و بر مشکلات و قوف یافته و بر حضور حواشی نوشته و اجازت‌نامه به خط مبارک خود داده است و در کرّه اخری در سنهٔ خمسین و ثمانمائه گذار باز به شهر تبریز افتاد، و به مدرسه نزول شد و جمعی از مریدان مولانای مرحوم بودند و این نسخهٔ شریف را طالب و جوینده بودند. الغرض از آن جمله یکی کمال‌الدین یوسف بود المشهور به مرشکی ادام الله توفیقه و زاد عزه، اتفاق صحبت شریف افتاد و ازین فقیر درخواست کرد که مدرسه جای درویشان نیست... چون استدعای او از سر ارادت بود بر خود واجب دیدم التماس او را اجابت کردن و به شرح این کتاب مشغول شدن...» (نسخهٔ مجلس به شمارهٔ ۱۰۰۴۶/۲، ص ۱-۳)

۳- شرح گلشن راز احمد بن موسی

شرح گلشن راز به همراه شرح جام جهان‌نما از آثار شناخته‌شدهٔ احمد بن موسی است که مشتمل بر اطلاعات بسیار از جمله شرح و توضیح مفاهیم عرفانی است. شارح اثر خود را با مقدمهٔ کوتاهی آغاز کرده است و پس از آن به شرح نخستین بیت گلشن راز پرداخته است. در ابتدای هر بیت عنوان «قوله» درج شده و روش شرح به این ترتیب است که ابتدا بیت یا ابیاتی از گلشن را می‌آورد و سپس با استفاده از آیات و احادیث و سخنان بزرگان به شرح و تفسیر بیت می‌پردازد. در شواهد شعری خود بیشتر اشعار مولانا جلال‌الدین و سنایی را آورده، ولی اشعاری نیز از سراینندگان ناشناس نقل کرده است؛ از جمله:

از بَشَری رسته بود باز برای بشر
تا به کمال آورد، خانه نقصان گرفت (۶)^۱
هر چیز که جاهلی ببیند در خواب
آن عین خیال است حقیقت نبود (۶۱)
چونکه خدا داد ترا قدرتت
همچو خدا هر چه که خواهی بکن (۹۵)

یکی از ویژگی‌های برجسته این اثر، شرح ابیات گلشن راز با زبانی ساده و مجمل است. از دیگر ویژگی‌های آن اختلافاتی در ضبط ابیات گلشن راز نسبت به دیگر شروح چاپ‌شده مانند شرح لاهیجی و شرح الهی اردبیلی است. گاهی در برخی از ابیات، واژه‌ای به گونه‌ای متفاوت با آنچه در شرح لاهیجی آمده، ضبط شده و به تبع آن، شرح بیت هم متناسب با واژه مورد نظر تغییر کرده است؛ از جمله، می‌توان به بیت‌های زیر اشاره کرد:

لاهیجی:

به هم جمع آمده در نقطه خال همه دور زمان، روز و مه و سال

لاهیجی بیت را با توجه به کلمه خال چنین شرح می‌کند: «خال عبارت از حضرت الهیه است ... به هم جمع آمده یعنی به یکجا بدفعه واحده بی ملاحظه تقدم و تأخر در آن نقطه خال حاضرند، همه دور زمان روز و مه و سال گذشته و آینده، ازل تا ابد، چو همچنانچه ازل و ازیات معلوم آن حضرت است ابد و ابدیات نیز معلوم است و نسبت با آن حضرت به سبب تقدم و تأخر که دارند هیچ تفاوت نیست ...» (لاهیجی، ۱۳۷۴: ۲۲).

احمد بن موسی:

به هم جمع آمده در نقطه خال همه دور زمان روز و مه و سال

«یعنی نباید دانست که ماضی است و حال و حال آخر ماضی است و اول مستقبل و خود برزخ، پس دور ماضی و دور مستقبل به حال است. پس حال نقطه باشد و

۱. شماره صفحات بر اساس نسخه کتابخانه ملی ملک است.

دیگر نزد محققان نقطه بر سه وجه است: اول نقطه ذات، دوم نقطه صفات، سیوم نقطه افعال و فی الحقیقه نقطه عبارت از وجود حق است و وجود دوری است» (ص ۵۴).^۱

لاهیجی:

تعین نقطه وهمی است بر عین چو صافی گشت عینت غین شد عین

چو عین تو صافی شد غین عین می شود و سه عین را چنین معنا می کند: عین مصراع اول: حقیقت، عینت: چشم، عین در قافیه مصراع دوم حرف عین غیر معجم مراد است (لاهیجی، ۱۳۷۴: ۲۳۴).

احمد بن موسی:

تعین نقطه وهمی است بر عین چو صافی گشت عینت عین شود عین

عین اول: حقیقت، عین دوم: چشم، عین سوم: حقیقت و عین چهارم: آشکارایی (ص ۱۰۰).

لاهیجی:

وجود کل کثیر واجب آید کثیر از روی کثرت می نماید

«یعنی وجود موجودات و کثرات که از حیثیت نسب و اسماء کثیر است، از حیثیت ذات واحد است؛ چو غیر از وجود، عدم است و کثیر از روی کثرت ظاهر و نماینده است زیرا که در حقیقت چون نظر کنی حقیقت واحده است» (لاهیجی، ۱۳۷۴: ۴۹۱).

احمد بن موسی:

وجود کل کثیر واجب آید کثیر از روی کثرت می نماید

۱. در تمام مقاله ارجاع به نسخه خطی شرح گلشن راز احمد بن موسی رشتی استادی به صورت ارجاع به به صفحه (ص...) آمده است.

«یعنی گفتم که وجود کل با جزو است و چون مرکب تمام شد مخفی شدند در مرکب؛ ماند یک چیز که آن را واحد گویند و الا هرگاه که کل اعتبار کنند وجودی ندارد بسر معدوم است» (ص ۱۹۱).

لاهیجی:

ازو شد خط دور هر دو عالم وزو شد خط و نفس و قلب آدم

«می‌گوید: از نقطه خال هر دو عالم و نفس و قلب آدم، اگر نفس ناطقه باشد که در این صورت قلب عطف تفسیری است و اگر نفس حیوانی باشد قلب نفس ناطقه است» (لاهیجی، ۱۳۷۴: ۵۹۴).

احمد بن موسی:

ازو شد خط دور هر دو عالم وزو شد خط و نقش قلب آدم

که تنها قلب را شرح داده است و خط و نقش مترادف به کار رفته است (ص ۲۳۶).

لاهیجی:

یکی از بوی دردش عاقل آمد یکی از رنگ صافش ناقل آمد

«می‌گوید: که بوی آن شراب در معقولات تعقل کرد و در شناخت اشیاء تابع عقل شد و یکی دیگر هم راه حق را به دلایل نقلی رفت و هر دو رنگ و بویی بیش نیافتند» (لاهیجی، ۱۳۷۴: ۶۱۸).

احمد بن موسی:

یکی از بوی دردش عاقل آمد یکی از رنگ صافش ناقل آمد

که در شرح آن می‌گوید: «از تجلی افعالی غافل و نادان بماند و ترقی نکرد و دیگری هم که علما ظاهر هستند تنها ناقل ادیان و شرع نبوی علیه‌السلام شدند» (ص ۲۴۹).

۳- سبک نثر شرح گلشن راز

با آنکه ملک الشعراء بهار در سبک‌شناسی، عدم جزالت و انسجام متن، کاسته شدن از لغات عربی و شعر عربی و استدلالات و تمثیل و مثل، رکاکت و سستی در متن کتب، آوردن لغات و ترکیبات تازی و ترک کردن الفاظ فارسی معادل آن را از ویژگی‌های نثر تیموری می‌داند (رک: بهار ۱۳۸۴: ۳/ ۲۰۸-۲۰۹)، اما نثر شرح گلشن راز از بسیاری از عیوب و لغزش‌های رایج در این دوره میراست. ویژگی‌های سبکی نثر او را می‌توان در سه سطح فکری، ادبی و زبانی بیان کرد:

سطح فکری

از جای جای توضیحات و تأملات احمد بن موسی در جای جای شرح گلشن راز او می‌توان به مشی فکری، گرایش‌های دینی-عرفانی و اعتقادات کلامی او پی برد. مثلاً در شرح این بیت شیخ محمود، تمایل او به مذهب اهل سنت و جماعت آشکار است:

ز دور اندیشی عقل فضولی / یکی شد فلسفی دیگر حلولی

«یعنی چنین گفته که مذهب، هفتاد و دو نوع است و به غیر مذهب اهل سنت و جماعت دیگر همه فاسد است، به سبب آنکه هیچ کدام مرید و شاگرد مشایخ نیستند.» (ص ۳۷). همچنین، او مطابق روئے مرسوم اهل سنت، شأن و جایگاه خاصی برای حضرت علی (ع) قائل است و در جاهایی به رسالت و مسؤلیت شرعی ایشان اشاره می‌کند. مثلاً، در شرح بیت زیر:

نبوت در کمال خویش صافی است / ولایت اندرو پیدانه مخفی است

چنین می‌گوید: «یعنی قبل از وجود نبی ما علیه‌السلام ولایت نبود؛ یعنی بالفعل و

بالقوه بود. چون امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه با نبی اتفاق کرد نبوت را بر دو قسمت کرد: قسم اول را نبوت تشریحی نام نهاد و قسم دوم را نبوت تعریفی فرمود و تعریفی را با علی داد و فرمود که صاحب دعوت باش در ولایت با خلیق از برای کمال و جمعیت...» (ص ۱۱۳). و باز در دو بیت بعد از آن هم گفته خود را تکرار می‌کند.

احمد بن موسی در شرح خود، به تناسب موضوع، مکرراً به سخنان ابن عربی استناد می‌کند: «یعنی در تعریف مسافر و سفر، شیخ اکبر سلام الله علیه چنین فرموده است در اصطلاحات خود که "و اما المسافر فهو الذی سافر بفکره فی المعقولات و هو الاعتبار فعبر من العدو دنیا الی العدو القصوی، و اما السفر فعبارة من القلب اذا اخذ فی التوجه الی الحق تعالی بالذکر"» (ص ۱۰۲) و در بسیاری موارد دیده می‌شود که شارح پس از بیت، سؤال سائل مفروضی را مطرح می‌کند و همراه با جواب آن سؤال، به شرح بیت می‌پردازد.

در این شرح، برداشتهای نادرست و اشتباهی هم دیده می‌شود که می‌تواند جایگاه فکری او را نسبت به دیگران، از جمله لاهیجی، نشان دهد:

در شرح این بیت:

عناصر مر تورا چون امّ سفلی است تو فرزند و پدر آبای علوی است

عناصر اربعه را که آب و خاک و باد و آتش است دو قسم می‌کند، خاک و آب را امّهات سفلی می‌نامد و باد و آتش را آبای علوی (ص ۲۷۵)، حال آنکه، طبق نظر فلاسفه قدیم عناصر اربعه، به امّهات سفلی و افلاک به آبای علوی معروف اند: «افلاک را از جهت تأثیراتی که در عالم عناصر و تکوین موالید برای هر یک قائل بودند آباء یعنی پدران نامیده‌اند و عناصر چهارگانه: آب، باد، خاک و آتش را امّهات اربعه یا چهار مادر و معدن و نبات و حیوان را موالید ثلاثه یا فرزندان سه‌گانه گفته‌اند» (مصفی، ۱۳۵۷: ۱). گاهی احمد بن موسی سخن شبستری را کاملاً متفاوت با آنچه

مقصود او بوده، شرح کرده است. نمونه‌هایی از این تفاوت در تفسیر میان او و لاهیجی و الهی اردبیلی در ذیل می‌آید:

دلیران جهان آغشته در خون توسر پوشیده نهی پای بیرون

لاهیجی می‌گوید: «یعنی طالبان قرب که سالکان راه طریقند و از غایت شجاعتی که دارند پیوسته با نفس اماره خود... به محاربه و مقاتله مشغولند... و تو پرده تقلید بر سر انداخته و چون زنان در خانه طبع و هوا ساکن گشته و پای همت در میدان طلب نمی‌نهی و از این چاه طبیعت بدر نمی‌آیی» (۱۳۷۴: ۱۴۵).

الهی اردبیلی می‌گوید: «چه دلیران، به جهت محاربت با نفس و شیطان و خوف از مکر و کید ایشان و کمال قهر و غضب در آن، در خاک و خون غلطانند و تو چون زنان پرده تقلید بر سر انداخته‌ای و در خانه طبع و هوا مسکن ساخته‌ای؛ از چاه طبیعت بدر نمی‌آیی و از کید نفس و شیطان حذر نمی‌نمایی» (الهی اردبیلی، ۱۳۶۷: ۱۰۹).

و احمد بن موسی می‌گوید: «یعنی در معرفه‌الله کسانی که دلیران ظاهری بودند همچون زنان که ناقصان عقلند عاجز و سرگردان مانده‌اند هرگاه که نزد محققان به نظر آیند» (ص ۶۳). یا مثلاً در شرح این ابیات:

طبیعت‌های عنصر نزد خور نیست کوکب گرم و سرد و خشک و تر نیست
عناصر جمله از وی گرم و سردست سفید و سرخ و سبز و آل و زردست

لاهیجی گرم بودن و یا سرد بودن عناصر و داشتن الوان مختلف را از خورشید می‌داند که حکم آن نافذ و روان است:

اگر چه خور به چرخ چارمین است شعاعش نور و تدبیر زمین است
بود حکمش روان چون شاه عادل که نه خارج توان گفتن نه داخل

(نک: لاهیجی، ۱۳۷۴: ۴۴۷-۴۴۹)

از سوی دیگر، الهی معتقد است «مراد به طبیعتِ عنصر اینجا چیزی است که ذات او اذا خلی و طبعه بی ارادت مقتضی باشد آن را چون حرارت و برودت و رطوبت و یبوست. و فلکیات ازین طبایع دورند چنانکه در کتب حکمت مبین است و مذکور، و نیز شفاف اند و رنگ ندارند؛ چه اگر رنگ داشتندی، مانع رؤیت مافوق خود بودندی، حال آنکه کواکب ثوابت که در قلمک هشتم ثابت اند، مرئی می شود» (الهی اردبیلی، ۱۳۶۷: ۲۷۳).

احمد بن موسی می گوید: «آفتاب گرم و سرد و خشک و تر نیست و کواکب نیز همچنین، اما از طبیعت این خاصیت حاصل کرده اند و می گوید که طبیعت است که در تعینات حکم می راند» (۱۸۵ و ۱۸۶). احمد بن موسی به همین شیوه بیت بعدی را شرح می دهد.

ببین اکنون که کور و کر شبان شد علوم دین همه بر آسمان شد

لاهیجی در شرح مصراع دوم این بیت این حدیث نبوی را در نظر دارد که «ان من شرایط الساعة أن يرفع العلم و يكثر الجهل» و می گوید که مقصود از مصراع دوم منسوخ شدن آن است که آن علوم از زمین استعداد و ظهور بر آسمان بطون [متمکن] گشته (لاهیجی، ۱۳۷۴: ۶۶۲). الهی می گوید: «چنانچه فرموده است رسول (ص) «ان من اشراط الساعة أن يرفع العلم و يكثر الجهل» و منصب شیخی و ارشاد مانند چوپانی است که به طریق امداد مریدان را چون گوسفندان محافظت نماید بر وجه سداد و از شر گرگان و درندگان اوصاف سبعی و حیوانی نگاه داشتن تواند؛ پس اگر به جهت کوری و کری ایشان را نبیند و فریادشان نشود چگونه از چنگال سباعشان رهاند؟» (الهی اردبیلی، ۱۳۶۷: ۳۳۹). احمد بن موسی می گوید: «منظور این است که علوم دین مرتبه بلندی گرفته است، نه آنکه منسوخ شده است» (ص ۲۶۸).

مثالی دیگر:

رفیقانی که با تو هم طریقند پی هزل ای برادر هم رفیقند

بکوی جدّ اگر یکدم نشینی ازیشان من چه گویم تا چه بینی

لاهیجی می‌گوید «که آن رفیقان که در هزل [نیز رفیق] بودند اگر به کوی جدّ درآیی و نشینی من چگویم ازیشان چه بینی و چه سخنان خوب و افعال نیک می‌شنوی و می‌بینی. فلهدا فایدهٔ محبت رفیقان طریقی زیاده از محبت برادران نسبی و فرزند است و نسبت طریقی اقوی از نسبی است» (لاهیجی، ۱۳۷۴: ۶۸۵). الهی می‌گوید: «پس از رفقای طریقت نیز انقطاع باید تا خلاصی از هزل روی نماید»؛ معنای بیت بعد این است که «از سخنان خوب و افعال پسندیده مرغوب و لهدا فایدهٔ صحبت این رفیقان بیشتر از خویشان است. و می‌شاید که معنی بیت این باشد که اگر روی از هزل برتابی، از ایشان چه آزارها یابی؛ چه رفاقت این فرقه هم از برای هزل است و تفرقه» (الهی اردبیلی، ۱۳۶۷: ۳۴۸)، و این با شرح احمد بن موسی هماهنگ است. احمد بن موسی این ابیات را با توجه به شواهدی از مثنوی مولانا:

کم گریز از اژدها و شیر نر	توز نزدیکان و خویشان کن حذر
حق ذات پاکِ الله صمد	که بود به مار بد از یار بد
مار بد جان می‌ستاند از سلیم	یار بد آرد سوی نار جحیم

شرح می‌دهد و می‌گوید که این رفیقان مانع و حجاب راه خدا هستند (ص ۲۷۹).

سطح ادبی

از آنجایی که شرح احمد بن موسی، مانند بسیاری از شروحنی که با آن اشتراک موضوعی دارند، به منظور تبیین بهر چه بیشتر متنی عرفانی نوشته شده، استفاده از صنایع ادبی در آن محدود است. بنابراین، کلاً با زبانی خالی از تکلف و بی‌پیرایه ابیات گلشن راز شبستری را شرح کرده است. از ویژگی‌های اصلی نثر او میتوان به ویژگی‌های زیر اشاره کرد:

الف: استفاده فراوان از آیات و احادیث و سخنان بزرگان.

ب: تضمین ابیاتی از بزرگان ادب پارسی به اقتضای موضوع شرح؛ به عنوان مثال،
در شرح بیت زیر:

معانی هرگز اندر حرف ناید که بحر قلزم اندر ظرف ناید

ضمن توضیح تفاوت لفظ و معنا و تصریح به این که «معنی حقیقت است» و
«حرف مجازی»، ابیاتی از مولانا را، با اندک تفاوت هایی نسبت به ضبط اصلی آنها،
این گونه نقل می کند:

حرف چبود تا که اندیشم از آن حرف چبود خار دیوان و ددان
حرف و صوت و گفت را بر هم زنیم تا که بی این هر سه با تو دم زنیم
(ص ۳۴)

ضبط مشهور ابیات مولانا به شکل زیر است:

حرف چبود تا تو اندیشی از آن حرف چبود خار دیوار رزان
حرف و صوت و گفت را بر هم زنم تا که بی این هر سه با تو دم زنم
(مولوی، ۱۳۷۳: ۷۲)

ج: استفاده از حکایات که شارح برای روشن تر شدن موضوع، آنها را نقل می کند؛
مانند حکایت فیل و جماعت کوران (ص ۱۴)، حکایات سلطان ابراهیم و جنید
بغدادی (ص ۴۶) و همچنین داستان ابراهیم (ص ۶۵-۶۸) و داستان موسی
(ص ۶۹).

د. استفاده از ضرب‌المثل‌ها؛ همچون: «مشتی نمونه انباری است» (ص ۵۳)،
«کافر همه را به کیش خود پندارد» (ص ۲۶۰)، «هرکه یرقان گرفت همه عالم را زرد
بیند» (ص ۲۶۶)، «هرکه با دیگ نشیند بکند جامه سیاه» (ص ۲۶۰).

سطح زبانی

این سطح از زبان خود به دو سطح لغوی و نحوی تقسیم می شود:

الف) سطح لغوی: از جمله ویژگی‌های لغوی این رساله که هم نشأت گرفته از سبک شخصی شارح و هم خصوصیات سبکی این دوره است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کاربرد صورت قدیم برخی کلمات: «همگنان» به جای «همگان»، «اندرون» به جای «درون»، «ازیرا» به جای «زیرا».
- کاربرد بسیار لغات و اصطلاحات عربی: با توجه به اینکه این شرح از متون عرفانی است، لغات عربی در آن بسیار است. برای مثال لغات و ترکیباتی چون: «اولوالبصار»، «بالاحکام»، «بالذات»، «فی الحقیقه»، «اجمال جمیعا»، «من کل الوجوه» و ...
- استفاده از لغات و ترکیبات خاص در ترجمه برخی کلمات، مثلاً «آفتاب برآمد» و «آفتاب فرورفت» در ترجمه مشرق و مغرب: «بباید دانست در کلام الله وارد شده است که ربّ المشرق و ربّ المغرب، یعنی پروردگار آفتاب برآمد و آفتاب فرورفت...» (ص ۶۰).

ب - سطح نحوی:

- جابجایی ارکان جمله. گاه یکی از ارکان جمله، از محل معمول خود به بعد از فعل منتقل می‌شود. مثلاً: «اگر کلمه را بلند نگویی به گوش من بگوی آهسته» (ص ۱۴۱). «یعنی می‌گوید که پاک و صافی شو از تعلقات و از مذاهب مختلفه» (ص ۲۸۰). «یعنی ناظر نظر که می‌کند محبوب را» (ص ۲۱۸).
- حذف فعل با قرینه و بی‌قرینه. مثلاً: «یعنی بعضی گفته‌اند که خدا جزو است و بعضی گفته که خدا کل است» (ص ۱۷). «آدم صفی موجود شده بود و در بهشت رفته» (ص ۵). «هر چه علم ظاهر است قشرسست و هر چه باطن مغز او» (ص ۱۶). «علم قانون علم حکما که همه مقلد بودند و بغیب» (ص ۳۱).

• تکرار فعل. مثلاً: «بباید دانست که مراد به شب مرتبه وحدت است که حقیقت اکمل است روشن است که در تعینات ظاهر و موجود اوست» (ص ۴۷). «نوح در کشتی نشسته بود؛ یعنی جسم خود را شناخته بود و آب که علم است معجز او بود» (ص ۱۰۹). «درین علم نیز تأیید و فضل الله تعالی می باید تا علم شهادت نیز باشد تا مرد هر دو طرف داشته باشد و هر چه یک طرف باشد نقصان است» (ص ۳۲).

• ترجمه آیات و سخنان بزرگان مطابق با سیاق نحو عربی. مثلاً: «فاستقم كما أمرت: یعنی می گوید پس راست بدار آنچه من امر کرده ام به تو» (ص ۱۲۸). «المکر ارداف النعم مع المخالفة و ابقاء الحال مع سوء الادب و اظهار الآيات و الكرامات من غیر امر و لاحد؛ ترجمه: کرامات و مکر ارداف نعمت، یعنی پیایی بودن با وجود مخالفت و باقی بودن حال با ترک ادب و اظهار آیات و کرامات از غیر حد و امر» (ص ۲۶).

• تغییر شناسه فعل در جمله، مانند: «چون آدم بخلاف امر الله تعالی کرد که گندم خورد و چون دید که "خطا کرده ام" توبه کرد» (ص ۱۷۱). «اگر هرکسی این معنی را بداند که مظهر تجلی الله تعالی ایم "آسودگی در همان قدر معرفت کافی است» (ص ۱۹۹). «یعنی انسان به ذات خود معین، یعنی معدوم و "هرگاه که معدوم باشم" سایه نیست از برای آنکه سایه از موجود می نماید و سایه دوگانگی است» (ص ۱۵۰).

• استفاده از وجه وصفی، مانند: «یعنی می گوید که به یکبارگی، یعنی به کلی هستی مجازی را فانی ساخته و ناچیز گردانیده و از اقرار و انکار اهل ظاهر که مقید و مقلدند آسودگی یافته و نفس خود را رهانیده است» (ص ۳۵۰). «قطع تعلقات کرده و خدا را شناخته و کل لسان بوده و بدین حدیث موصوف بوده» (ص ۱۵۶). «خود را در میان دیده و این معنی را بزرگ نام نهاده و به خدایی دعوی کرده» (ص ۲۶۴).

- استفاده از مصدر. مثلاً: «هرگاه که می‌خواهد اهل الله شود ترک هر دو می‌باید کردن» (ص ۴۵). «اگر کسی می‌خواهد که خدا را بداند و یا مشاهده کند در صورت انسانی و یا در حیوانی و یا در صورت دیگری می‌باید کردن بی‌تعیین نمی‌توان معرفت حاصل کردن» (ص ۴۸). «هستی حق در تعینات بدین نوع مشاهده می‌باید کردن» (ص ۳۵).
- مطابقت صفت و موصوف در جنس، مثلاً: «مظاهر مختلفه»، «کواکب سبعة»، «خواطر اربعه»، «صفات سبعة»، «عقلاء مجانین» و... .
- جابه‌جایی موصوف و صفت، مانند: «بیتی چند»، «اول مصراع»، «آخر مصراع» و... .
- آوردن «ب» تأکید بر سر افعال. هرچند در آن روزگار این ویژگی سبکی در آن روزگار از تداول افتاده بود، اما در این متن به‌ویژه در بیان حکایات که تا حدی ویژگی‌های سبکی قدیم را دارد، نمونه‌هایی دیده می‌شود، مانند: «ببوسید»، «بستود»، «بگفت»، «بساخت» و... .

۴- معرفی نسخه‌های شرح گلشن راز احمد بن موسی:

نسخه کتابخانه ملی ملک

این نسخه با شماره ۲۲۵۷ و تاریخ کتابت ۸۴۴ ق است. خط نسخه نستعلیق، از کاتبی ناشناس، است و عنوان‌ها و نشان‌ها با قلم شنگرف نوشته شده و زیر برخی از اسامی و اصطلاحات نیز با شنگرف خط کشیده شده است. برخی از صفحات حاشیه‌نویسی؛ این حواشی مربوط به لغات و جملات و عباراتی است که کاتب آنها را در متن لحاظ نکرده یا شامل اصلاحات شارح است. نسخه در ۱۴۶ برگ (۱۳×۶×۱۷/۶) و هر صفحه در ۱۵ سطر نوشته شده است. کاغذ نسخه فستقی استانبولی و جلد آن میسن آلبالویی است.

نسخه‌های مجلس شورای اسلامی

الف) این نسخه با شماره ۱۰۰۴۶/۲ به خط نستعلیق، که چند برگ آغاز آن وصال شده است. عناوین و نشان‌ها با شنگرف نوشته شده و برخی از صفحات نیز حاشیه‌نویسی شده که مربوط به متن اصلی است. نسخه در ۵۷۶ برگ (۱۷×۱۱/۵) و هر صفحه در ۱۶ تا ۲۲ سطر نوشته شده و جلد آن تیماج سبز است. این نسخه در یک مجموعه در کنار رساله‌های: شرح جام جهان‌نمای مولانا محمدشیرین، به قلم احمد بن موسی رشتی استادی، و شرح لمعات عراقی گردآوری شده است. از ویژگی‌های این نسخه وجود چند صفحه در شرح بیته از شبستری است که در نسخ دیگر وجود ندارد و به نظر می‌رسد که افزوده‌کاتب باشد، زیرا از ویژگی‌های این شرح رعایت ایجاز در شرح ابیات است و به نظر می‌رسد شیوه بیان آن تا حدودی با شیوه بیان شارح متفاوت است. بیت این است:

جهان انسان شد و انسان جهانی
ازین پاکیزه‌تر نبود بیانی

ب) این نسخه با شماره ۱۲۰۲/۱ و به خط نسخه نستعلیق است، به غیر از عبارات عربی به خط نسخ کتابت شده است. عناوین به رنگ سرخ، و نام کاتب، محمدزمان بن میرسیدعلی بن میرکل تیماج است. نسخه در قطع رقعی (۲۰×۱۱/۵) و جلد آن سبز راه راه و گل‌دار و عطف آن پارچه‌ای مندرس است. این نسخه در ۲۵۴ صفحه و کاغذ آن اصفهانی شکری آهار مهره دار است.

نسخه قم

این نسخه با شماره ۱۶۱۵/۲-۹/۱۶۵ در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی قم نگهداری می‌شود. کتابت آن در سال ۱۲۶۱ق به پایان رسیده است. خط نسخه نستعلیق است که به امر مقرب الخاقان یحیی خان ایلخانی کتابت شده و و کاتب آن، این شرح را به همراه گلشن راز شیخ محمود شبستری در یک مجموعه گردآورده است. گرچه این

نسخه با خطی خوانا و پاکیزه فراهم آمده، ولی با تطبیق نسخه اساس و نسخه قم در می‌یابیم که کاتب در حفظ امانت کوشا نبوده و در تمام نسخه، عبارات و پاراگراف‌ها و جملاتی را که بین دو فعل و یا دو جمله یکسان آمده، حذف کرده است. این حذفیات به گونه‌ای است که پیوند مطالب همچنان حفظ شده و ظاهراً حذف شدن آنها مشخص نیست. نمونه‌های ذیل که از دو نسخه اساس و قم انتخاب شده‌اند، این تفاوت را نشان می‌هند:

● نسخه اساس (ص ۵): «و بر اهل شهود پوشیده نیست که کمال الله تعالی بر دو نوع است: کمال ذاتی و کمال اسمایی و غنای مطلق لازم کمال ذاتی است؛ همچنان‌که خدای تعالی می‌فرماید که: انّ الله یغنی عن العالمین و در کمال اسمایی می‌فرماید: یا عبادى انى اشقّت الیکم و علی کل حال به اعتبار آنکه کمال اسمایی موقوف مظهر است و مظهر مختلف و این اشارت لازم کمال اسمایی است».

نسخه قم (ص ۴۹): «و بر اهل شهود پوشیده نیست که کمال الله تعالی بر دو نوع است: کمال ذاتی و کمال اسمایی موقوف مظهر است و مظهر مختلف و این اشارت لازم کمال اسمایی است».

همانگونه که دیده می‌شود عبارت بین دو کمال اسمایی در نسخه قم حذف شده است، و حذف این عبارت تنها به سبب این است که کمال اسمایی در نسخه اساس تکرار شده است.

● نسخه اساس (ص ۸): «قال الشیخ النفس الرحمانی هو الوجود الاضافی بحقیقه المتکثر بصور المعانی الّتی هی الاعیان. یعنی نفس رحمانی وجود اضافی است که وحدانی است بحقیقت و متکثر به صور معانی یعنی اعیان، یعنی نفس رحمانی باز رجوع به حقیقت خود کرد که منه بدأ و الیه یعود...».

نسخه قم (ص ۵۱): «قال الشيخ النفس الرحمانى هو الوجود الاضافى بحقيقته المتكثر بصور المعانى التى هى الاعيان. يعنى نفس رحمانى باز رجوع به حقيقت خود کرده که منه بدء و اليه يعود...».

● نسخه اساس (ص ۴۷): «می باید جرمی دیگر را در نظر بیارد تا قرص آفتاب را مشاهده کند؛ مثلاً آینه و یا کاسه آبی و یا نفطین در برابر نهند و جرم آفتاب را مشاهده کنند و معنی این آن است...».

نسخه قم (ص ۷۴): «می باید جرمی دیگر را در نظر بیارد تا قرص آفتاب را مشاهده کند و معنی این آن است...».

نمونه‌های دیگری از این دست مثلاً در ص ۱۳ نسخه قم در مقایسه با ص ۵۱ نسخه اساس، ص ۷۶ نسخه قم در مقایسه با ص ۵۷ نسخه اساس، ص ۸۶ نسخه قم در مقایسه با ص ۶۶ نسخه اساس، ص ۹۹ نسخه قم در مقایسه با ص ۱۰۱ نسخه اساس و... دیده می‌شود. ص ۹۷ نسخه قم هم به همین ترتیب صفحات ۸۸ تا ۹۶ نسخه اساس را ندارد و این فقرات در نسخه قم حذف شده است.

این گونه حذفیات (یعنی وجود دو کلمه یکسان و حذف عبارات مابین آنها) تا پایان نسخه قم به چشم می‌خورد و نشان‌دهنده آن است که این حذفیات به عمد صورت گرفته و ناشی از اشتباه کاتب نبوده است.

نسخه دانشگاه لس آنجلس

به شماره این نسخه M۱۲۳۱، و تاریخ کتابت آن ۹۶۷ ق است.

نسخه دانشگاه هاروارد

این نسخه در مجموعه فرانسویس هوفر در شهر ماساچوست نگهداری می‌شود و که شارح آن معلوم نیست. الذریعه (۱۳۷۸) درباره این نسخه می‌نویسد که میرزا حسن شفیع‌زاده آن را در کتابخانه جارالله افندی اسلامبول دیده است. احتمالاً این شرح از

احمد بن موسی باشد؛ چه در میان شروح گلشن راز شرح مزبور است که در سال ۸۴۴ تألیف شده است. دور نیست که از آخر نسخه کتابخانه ولی الدین جارالله افندی دو بیت که یکی از آن دو متضمن نام شارح است ساقط شده باشد (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۷۸: ۲۶۹/۱۳)

۵- نتیجه‌گیری

یکی از شروحنی که بر منظومه عرفانی گلشن راز شیخ محمود شبستری نوشته شده، شرح احمد بن موسی است که در قرن نهم هجری به رشته تحریر درآمده است. سادگی، روانی، شفافیت در شرح، اجمال و ایجاز، پرهیز از زیاده‌گویی و دوری مؤلف از پیچیدگی‌های فنی و علمی این اثر را از دیگر شروح گلشن ممتاز کرده است. از دیگر خصوصیات این اثر ارزشمند استنادات فراوان آن به آیات و احادیث و اشعار شاعران بزرگی مانند سنایی و مولوی، و نیز توجه به اندیشه‌های ابن عربی است. مؤلف به منظور رعایت سادگی در بیان مفاهیم و اندیشه‌های عرفانی، از صنایع لفظی و معنوی بندرت بهره می‌برد.

اختلاف در ضبط نسخه‌های شرح گلشن راز احمد بن موسی استادی و تفاوت در اندیشه وی با شارحان دیگر سبب شده است که شرح او با دیگر شرح‌های گلشن راز، از جمله شرح معروف محمد لاهیجی و شرح الهی اردبیلی تفاوت‌هایی پیدا کند. می‌توان گفت که شرح گلشن راز احمد بن موسی برای مخاطبانی که با اصطلاحات پیچیده فلسفی و عرفانی آشنایی چندانی ندارند، مناسب‌تر است.

منابع

- قرآن کریم.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۳۷۸). الذریعه الی تصانیف الشیعه، نجف: مطبعة القضاء، ج ۱۳.

- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۸۳). حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة، تهران: دانشگاه تهران، چاپ ششم.
- الهی اردبیلی (۱۳۶۷). شرح گلشن راز، مقدمه و تصحیح محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۴). سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، تهران: امیر کبیر، ج ۳.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۶۷). رمز و داستانهای رمزی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۷). جست‌وجو در تصوف ایران. تهران: امیر کبیر.
- شاه‌داعی شیرازی، محمود (۱۳۷۷). نسایم گلشن (شرح گلشن راز). به کوشش پرویز عباسی داکانی، تهران: انتشارات الهام.
- احمد بن موسی، شرح گلشن راز (نسخه خطی)، کتابخانه ملی ملک به شماره ۲۲۵۷.
- _____، نسخه خطی کتابخانه مجلس به شماره ۱۰۰۴۶/۲.
- _____، نسخه خطی کتابخانه مجلس به شماره ۱۲۰۲/۱.
- _____، نسخه خطی کتابخانه گلپایگانی قم به شماره ۱۶۱۵/۲-۹/۱۶۵.
- صائن‌الدین علی بن ترکه (۱۳۷۵). شرح گلشن راز (ابن ترکه)، به کوشش کاظم دزفولیان، تهران: نشر آفرینش.
- لاهیجی، محمد (۱۳۷۴). مفاتیح‌الاعجاز فی شرح گلشن راز، با مقدمه کیوان سمیعی، تهران: سعدی.
- مصفی، ابوالفضل (۱۳۵۷). فرهنگ اصطلاحات نجومی، تبریز: انتشارات تاریخ و فرهنگ ایران.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۷۳). مثنوی معنوی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

